

عنوان مقاله:

مفهوم سازی عشق در غزلیات شمس و بررسی ارتباط آن با مضامین قرآنی از دیدگاه معنی شناسی

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 12، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 37

نویسندگان:

لیلا ولی زاده پاشا - دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء-ایران

محبوبه مباشری - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء

شیرین پور ابراهیم - دانشیار گروه زبانشناسی دانشگاه پیام نور

خلاصه مقاله:

زبان دین کانون شکل گیری بسیاری از استعاره ها و راهیابی آن به ادبیات است. ادبیات به ویژه ادبیات عرفانی، از مفاهیم دین و مفهوم سازی های قرآنی تاثیر پذیرفته است. این مقاله باتوجه به استعاره های مفهومی، مفهوم سازی عشق را در شعر مولانا و تاثیر آن را از قرآن بررسی می کند. استعاره مفهومی یکی از مهم ترین مباحث زبان شناسی شناختی است. با نظریه استعاره مفهومی می توان جنبه های بینامتنیت شعر مولانا با قرآن را از زاویه ای شناختی بررسی کرد. هدف این پژوهش، بررسی میزان تاثیرپذیری مولانا از قرآن در مفهوم سازی عشق است که با تطبیق مفهوم انتزاعی عشق در غزلیات شمس و قرآن به شیوه تحلیلی - توصیفی به انجام می رسد. به همین سبب همه استعاره های عشق در سی غزل از غزلیات شمس و نیز بسیاری از آیات قرآنی با مفهوم محبت استخراج شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که مولانا در غزلیات از چه استعاره هایی برای مفهوم سازی عشق استفاده کرده و تا چه حد از استعاره های قرآنی بهره برده است. نتیجه بررسی نشان می دهد که در هر دو اثر، استعاره کلان «خداوند معشوق است» وجود دارد. در گفتمان ادبی - شعری شمس، چهار استعاره «عشق کلید است»، «عشق سفر است»، «عشق گیاه است» و «عشق سلطنت است» شناخته شد. حوزه های مبدا نامبرده و نوع نگاشت ها بیانگر تاثیر عمیق قرآن بر زبان غزلیات شمس است.

کلمات کلیدی:

قرآن، غزلیات شمس، استعاره مفهومی، عشق، کوچش.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1209371>

